گونه‌شناسی تفسیر قرآن کریم درنهج‌البلاغه

سیّد علی اکبر ربیع نتاج*

محمّد صادق حیدری**

چکیده: با دقّت در کتاب نهج‌البلاغه، به دست می‌آید که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در برخی از سخنان خود با اشارهٔ مستقیم به آیات متعدّدی از قرآن کریم، گونه‌ها و روشهای مختلفی را برای تفسیر و تبیین کلام وحی مورد استفاده قرار داده‌اند؛ همچون: تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنّت، بیان معنی مفردات آیات، استناد به آیات در برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها، بیان چرایی و تفسیر آیات، تبیین بدفهمیِ برخی از آیات، استفاده از قیدهای توضیحی، ذکر مصادیق آیات، توجّه به اهداف تربیتی و اخلاقی آیات و... در این مقاله، با مروری به نهج‌البلاغهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام گونه‌شناسی تفسیر قرآن، تبیین و تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امیرالمؤمنین علیه‌السلام / نهج‌البلاغه / قرآن کریم / گونه‌های تفسیر.

---

*. دانشیار دانشگاه مازندران.

**. دانشجوی علوم قرآن و حدیث.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

۱. طرح مسئله

خداوند همراه بانزول قرآن بر نبّی اکرمﷺ، توانایی چگونگی تفسیر و تبیین آیات آن را نیز به پیامبر خود ارزانی داشته است؛ رسولی که پروردگار متعال، آیات الهی را نخستین بار به او تعلیم داده و او را معلم دیگران قرارداده است. آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که پیامبر را «**مُبیّن**» کلام نورانی وحی معرّفی می‌کند: ﴿**وَ أَنزلنا إليكَ الذّكرَ لِتُبيّنَ لِلنّاسِ ما نُزّلَ إليهِم وَ لَعلّهُم يَتفَكّرونَ**: *بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است، برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند.*﴾ (نحل (۱۶) / ۴۴)، این آیه دلالت بر حجیت قول رسول خداﷺ در بیان و تفسیر آیات قرآن دارد.

بنابراین پیامبر اکرمﷺ با بهره‌گیری از منبع لایزال وحی‌خداوندی و اهتمام به این مقولهٔ مهم، روشهای تفسیر کلام خداوند را به امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام آموخته است؛ کسی که در دامان رسالت پرورش یافته و زلال‌گوارای دانش را بدون واسطه از منبع اصلی آن نوشیده و در سایهٔ ارشاد و راهنمایی مستقیم پیامبرﷺ درس دین فراگرفته‌است. (نک: معرفت، ج ۲، ص ۲۱)

این مقاله در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که «در کتاب گرانسنگ نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام از چه گونه‌ها و روشهایی برای تفسیر قرآن کریم بهره برده است؟»

برتری اهل بیت در تفسیر قرآن

پر واضح است که از دیدگاه مکتب تشیّع، پس از رحلت پیامبر اکرمﷺ، تفسیر قرآن کریم تنها به عهدهٔ امامان معصوم‌علیهم‌السلام بوده و وظیفهٔ ایشان است. با رجوع به کتب روایی شیعه، به خوبی، می‌توان دریافت که ائمّهٔ اطهارعلیهم‌السلام یگانه منبع ارزشمند تفسیر و تبیین آیات قرآن‌اند و در روایات متعددی منظور از «*راسخون در علم*» در آیهٔ شریفه ﴿**و ما يَعلمُ تأويلَهُ إلّا الله وَ الرّاسِخونَ في العلمِ...**﴾ (آل عمران (۳) / ۷) و ﴿**الّذين**

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

أُوتوا العلمَ﴾ در آیه شریفهٔ ﴿**بَل هُو آیاتٌ بیّناتٌ فی صُدور الّذین أُوتوا العِلمَ...﴾** (عنکبوت (۲۹) / ۴۹)، اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام می‌باشند. (کلینی، ج ۱، ص ۲۱۳ـ۲۱۴)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث شریف ثقلین، اهل بیت خود را هم‌سنگ و هم‌طراز با قرآن معرّفی می‌کند و آنان را تنها ملجأ و پناهگاه واقعی، برای پویندگان راه حقیقت و سعادت برمی‌شمرد، (مسلم نیشابوری، ج ۷، ص ۱۲۳؛ قمی، ج ۲، ص ۴۴۷؛ مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۱۸) استاد مطهّری در تبیین حدیث ثقلین می‌گوید: «منظور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صرفِ احترام به این دو ثقل و شئ وزین و ارزشمند نبوده است، بلکه مقصود این است که به هر دوی آنها، یعنی قرآن و عترت، مراجعه کنید تا گمراه نشوید؛ زیرا مسئلهٔ «رجوع» مطرح است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عترت را عِدل قرآن قرار داده است.» (مطهّری، ص ۵۷)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبهٔ ۱۵۴ نهج‌البلاغه با اشاره به این موضوع، ضرورت رجوع به اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام را به عنوان گنجینه‌های علوم و معارف خداوند، به مردم گوشزد می‌کند:...

﴿**...نَحن الشّعارُ و الأصحابُ، و الخَزنةُ و الأبوابُ، و لا تُؤتی البُیوتُ إلّا مِن أبوابِها، فَمن أتاها مِن غَیر أبوابها سُمّیَ سارقاً، فیهم کَرائِمُ القُرآنِ، و هُم کُنوزُ الرّحمانِ، إن نَطقوا صَدقوا و إن صَمتوا لم یُسبَقوا...﴾**

(ای مردم) ما اهل بیت پیامبر چونان پیراهن تن او و یاران راستین او و خزانه‌داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن معارف می‌باشیم که جز از در، هیچ کس به خانه‌ها وارد نخواهد شد. و هر کس از غیر در وارد شود، دزد نامیده می‌شود. (مردم) دربارهٔ اهل بیت پیامبر آیات کریمهٔ قرآن نازل شده است. آنان گنجینه‌های علوم خداوندِ رحمان‌اند، اگر سخن گویند راست گویند و اگر سکوت کنند، بر آنان پیشی نجویند.(دشتی، خطبهٔ ۱۵۴، ص ۲۰۲)

امام علیه‌السلام در سخنی دیگر، در پاسخ به مردی از قبیلهٔ کَلب، علم غیب در نزد

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

خداوند متعال را جدای از علوم و معارفی می‌داند که در نزد پیامبر اکرمﷺ می‌باشد. ایشان در ادامه، خود را پرورش‌یافتهٔ مکتب پیامبر و دارندهٔ علومی می‌داند که رسول خداﷺ به وی آموخته است:

﴿**يا أخا كَلب... و ما سِوى ذلِكَ فَعلمٌ عَلّمَهُ اللهُ نَبيّهُ فَعَلّمَنيهِ، و دَعا لِي بِأن يَعيَهُ صَدرِي ، و تَضطَمَّ عَليهِ جَوانِحي.**﴾ (همان، خطبهٔ ۱۲۸، ص ۱۷۲)

ای برادر کلبیان ... ورای علم غیب خداوندی، علوم و معارفی است که خداوند به پیامبرش تعلیم داده و او آن را به من آموخته است. و پیامبرﷺ برای من دعا کرد که خدا این دسته از علوم و اخبار را در سینهٔ من جای دهد و اعضاء و جوارح بدن من از آن پر گردد.

با توجّه به‌این مطالب، می‌توان گفت: همان‌طور که کلام خداوند در قرآن کریم از خطأ و اشتباه مصون است، سخن امامؑ نیز منبع قاطعی است که خطا، اشتباه و انحراف در آن راه ندارد و امام تنها مبیّن و مفسّری است که قول او مستند به قول پیامبر اکرمﷺ می‌باشد و تفسیر صحیح و راستین قرآن را تنها می‌توان از ایشان دریافت نمود.

پیوند امیرالمؤمنینؑ و قرآن کریم

پیوند ناگسستنی امیرالمؤمنینؑ با قرآن کریم چنان عمیق و گسترده است که رسول خداﷺ در حدیثی با برشمردن این ویژگی امامؑ، آن دو را ملازم و مکمّل هم دانسته است. امّ سلمه از پیامبرﷺ روایت کرده که فرمود: «**عَلِيٌّ مَع القرآنِ و القُرآن مَع كلِيٍّ لَا يَفترقانِ حَتّى يَردا عَلى الحوض**» (طبرانی، ج ۱، ص ۲۵۵) این پیوند به گونه‌ای ژرف و استوار است که نگاهی گذرا به کتاب نهج‌البلاغه ما را به یافتن هر چه بیشتر پیوند امیرالمؤمنینؑ و قرآن کریم و همچنین تأثیر آن بر فکر و اندیشه ایشان یاری می‌کند. اینک به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱ـ امیرالمؤمنینؑ در جنگ نهروان، پس از پافشاری خوارج به شورش و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

انحراف، در عبارتی خطاب به آنان، قرآن را یار و همنشین همیشگی خود دانسته که از زمان آشنایی با این کتاب الهی هرگز از آن جدا نشده است؛ «**و إنّ الکتابَ لَمعي ما فارَقتُه و مُذ صَحِبتُهُ**» (همان، ص ۱۶۴)

۲ـ امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جایی دیگر از نهج البلاغه، قرآن کریم را کتابی صامت و خود را قرآنِ ناطق و جامع معارف وحی الهی معرّفی می‌کند. ایشان در خطبهٔ ۱۵۸ ـ که برخی از شارحان گفته‌اند در شهر کوفه ایراد شده است ـ می‌فرماید:

«**ذلك القُرآنُ فَاستَنطِقُوهُ، و لَن یَنطقَ، ولکن أُخبرُکُم عَنه...**»

از قرآن بخواهید تا سخن بگوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، امّا من شما را از معارف آن خبر می‌دهم. (همان، ص ۲۱۰)

قرآن از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام

مهم‌ترین گام در ارتباط با چیزی، شناخت و معرفت نسبت به آن می‌باشد. برای شناختن ارزش و عظمت قرآن، بهترین منبع، امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که می‌توان در مواضع متعدّدی از کتاب نهج‌البلاغه، جایگاه واقعی قرآن کریم را از دیدگاه ایشان دریافت نمود. پیوند امام علیه‌السلام با قرآن باعث شده است تا ایشان زیباترین و رساترین تعابیر و تعاریف را برای این کتاب آسمانی بکارگیرد و مردم را به بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن رهنمون سازد.

قرآن کریم از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بهار دلهاست که انسانها با آموزه‌های آن جسم و روح خود را طراوت و تازگی می‌بخشند: «**و تَعلّمُوا القُرآنَ فإنّهُ أحسَنُ الحَدیثِ، و تَفقّهوا فیه فإنّهُ رَبیعُ القُلوبِ، واستَشفوا بِنورِه فإنّهُ شِفاءُ الصّدورِ.**» (همان، خطبهٔ ۱۱۰، ص ۱۴۸)

ایشان در خطبهٔ ۱۸، قرآن کریم را دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف می‌داند که مطالب شگفت‌آور و اسرار نهفتهٔ آن هرگز پایان نمی‌یابد:

«**و إنّ القُرآنَ ظاهِرهُ أنیقٌ و باطنهُ عَمیقٌ، لَا تَفنی عَجائبُهُ، و لَا تَنقَضی**

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

غَرائبُهُ، و لَا تَکشَفُ الظّلماتُ إلاّ بِه.» (همان، ص ۴۲)

و بـه راسـتی، قـرآن ظـاهری زیـبا و بـاطنی ژرف و نـاپیدا دارد. مـطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفتهٔ آن پایان نمی‌پذیرد و تـاریکیها بدون قرآن برطرف نخواهد شد.

در خطبهٔ ۱۵۲، به توصیف برکات قرآن می‌پردازد:

«فِیهِ مَرابیعُ النِّعَمِ، و مَصابیحُ الظّلَمِ، لَاتُفتَحُ الخَـیراتُ إلّا بِمَـفاتیحِهِ، و لَا تُکشَفُ الظّلُماتُ إلّا بِمَصابیحِهِ.»

در قرآن برکات و خیرات، همچون سرزمینهای پرگیاه در اوّل بهاران فراوان است، و چراغهای روشنی‌بخش تاریکیهاست. در نیکیها جز با کلید قـرآن باز نمی‌شود و تاریکیها را جز با چراغهای آن روشنایی نمی‌توان بـخشید. (همان، ص ۲۰۰)

همهٔ این تعاریف زیبا عمق شناخت امام نسبت به عظمت این کتاب آسمانی را نشان می‌دهد و با این تعابیر لطیف، همگان را به گره زدن دلهای خویش بـه ایـن ریسمان الهی دعوت می‌کند.

گونه‌های تفسیر قرآن کریم در نهج‌البلاغه

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در قسمتهای مختلفی از نهج‌البلاغه، «بـا اشـارهٔ مسـتقیم» بـه برخی از آیات قرآن کریم، به تفسیر آن آیات پرداخته است. ایشان با تسلّطی که بر آیهٔ قرآن کریم داشته‌اند، گنجینهٔ ارزشمندی از علوم و معارف الهی را برای پویندگان تفسیر راستین کلام وحی به یادگار گذاشته است.

در تأیید این گفتار، همین بس که ابن‌ابـی‌الحـدید، یکـی از شـارحـان مـعروف نهج‌البلاغه، در مقدّمهٔ کتاب خود، به ستایش دانش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در تفسیر قرآن کریم می‌پردازد و دربارهٔ علم تفسیر ایشان می‌گوید:

«علم تفسیر القرآن منه أخذ و عنه فرع، و إذا رجعت إلی کتب التـفسیر علمت صحّة ذلك» (ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۹)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

علم تفسیر قرآن، از او سرچشمه گرفته شده و از کوهسار دانش وی سرازیر می‌شود. اگر به کتابهای تفسیر مراجعه کنی، درستی این سخن را در می‌یابی.

سخن ابن‌ابی‌الحدید ناظر بر این مطلب است که امام علیه‌السلام برجسته‌ترین چهرهٔ تفسیری در میان مفسّران قرآن کریم می‌باشد.

اینک به مهم‌ترین گونه‌ها و روشهای تفسیری امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌پردازیم:

۱. تفسیر قرآن به قرآن

یکی از بهترین و استوارترینِ روشها در تفسیر قرآن کریم، روش تفسیر قرآن به قرآن است. در این روش، مفسّر با رجوع به کتاب خدا، ملاک و محور بیانات خود را قرآن قرار داده و از روشنگری‌ها و اشارات قرآن کریم در فهم آیات آن بهره و مدد می‌گیرد.

بسیاری از شارحان و مفسّران قرآن، از این روش به عنوان روش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه علیهم‌السلام یاد می‌کنند.(نک: طباطبایی، ج ۱، ص۱۸)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان مفسّر راستین قرآن کریم، از روش تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر برخی از آیات الهی بهره برده است و در تأیید این روش فرموده است:

«یَنطِقُ بَعضُهُ بِبعضٍ و یَشهَدُ بَعضُهُ عَلی بَعضٍ...»

قرآن کتابی است که بعضی از آن به وسیلهٔ بعضی دیگر به سخن درمی‌آید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد. (نک: دشتی، ص ۱۷۸)

در خطبهٔ حضرت زهرا علیهاالسلام به این آیه برای میراث‌بری استناد شده است.

۲. تفسیر قرآن به سنّت

یکی از موارد تفسیر قرآن به سنّت در نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۵۶ است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این خطبه که پس از پیروزی در جنگ جمل برای مردم بصره

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

ایراد فرمود، به بیان مباحثی در مورد فتنه‌انگیزی اصحاب جمل پرداختند.

در پایان این خطبه، فردی از جای خود برخاست و از امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرسید «ای امیر المؤمنین: ما را از فتنه آگاه کن. آیا نسبت به فتنه، از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سؤالی نفرموده‌ای؟» امام علیه‌السلام در جواب این شخص به تفسیر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از دو آیه ابتدایی سوره مبارکه عنکبوت اشاره فرمودند؛ بنگرید:

... فقال علیه السلام:

إِنَّهُ لَمَّا أَنزَلَ اللهُ سُبحَانَهُ قَولَهُ: "الم أَحَسِبَ النَّاسُ أن يُتْرَكُوا أن يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُم لَا يُفتَنُونَ" (عنکبوت (۲۹) / ۱) **عَلِمتُ أَنَّ الفِتنَةَ لَا تَنزِلُ بِنَا وَ رَسُولُ اللهِ بَينَ أَظْهُرِنَا. فَقُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ، مَا هَذِهِ الفِتنَةُ الَّتِي أَخبَرَكَ اللهُ تَعَالَى بِهَا؟ فَقَالَ يَا عَلِيُّ «إِنَّ أُمَّتِي سَيُفْتَنُونَ بَعدِي. » فَقُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ، أَوَ لَيسَ قَد قُلْتَ لِي يَومَ أُحُدٍ حَيثُ استُشْهِدَ مَنِ اسْتُشْهِدَ مِنَ المُسلِمِينَ، وَ حِيزَت عَنِّي الشَّهَادَةُ، فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ، فَقُلْتَ لِي: «أبشِرْ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِن وَرَائِكَ؟» فَقَالَ لِي: «إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ فَكَيْفَ صَبْرُكَ إِذَن؟» فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ، لَيسَ هَذَا مِن مَوَاطِنِ الصَّبرِ، وَ لَكِن مِن مَوَاطِنِ البُشرَى وَ الشُّكْرِ. وَ قَالَ: «يَا عَلِيُّ إِنَّ الْقَومَ سَيُفْتَنُونَ بِأموَالِهِمْ وَ يَمُنُّونَ بِدِينِهِم عَلَى رَبِّهِم وَ يَتَمَنَّونَ رَحمَتَهُ وَ يَأمَنُونَ سَطْوَتَهُ وَ يَستَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الكَاذِبَةِ وَ إِلّاهوَاءِ السَّاهِيَةِ فَيَستَحِلُّونَ الخَمرَ بِالنَّبِيذِ وَ السُّحتَ بِالهَدِيَّةِ وَ الرِّبَا بِالْبَيْعِ.» قُلْتُ: «يَا رَسُولَ اللهِ، فَبِأيِّ المَنَازِلِ أنزِلُهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ؟ أَبِمَنزِلَةِ رِدَّةٍ أم بِمَنزِلَةِ فِتنَةٍ؟ فَقَالَ: بِمَنزِلَةِ فِتنَةٍ.»** (دشتی، خطبهٔ ۱۵۶، ص ۲۰۶)

۳. بیان معنی مفردات آیات

در تفسیر قرآن کریم، تحقیق در معنای مفردات آیات، از پیش‌نیازهای یک مفسّر به حساب می‌آید؛ زیرا بدون دانستن مفهوم مفردات قرآن پی بردن به تفسیر آن میسّر

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

نخواهد بود؛ به‌طوری که برخی از دانشمندان یکی از لوازم استفاده از حقایق، معارف، احکام و آداب قرآن کریم را تحقیق در مفردات آن می دانند. (مصطفوی، ج ۱، ص ۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام در برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها، به ذکر معنی مفردات بعضی از آیات مورد استناد پرداخته است که مراد و مفهوم آن کلمه و آیه را برای خواننده بیش از پیش روشن می سازد؛ در زیر به سه نمونه از آن اشاره می شود:

۳ـ۱) امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به قُثم‌بن عبّاس فرماندار مکّه، از او می خواهد در موسم حجّ، مردم شهر مکّه از هیچ زائری اُجرت مسکن نگیرند. ایشان در ادامه با استناد به آیهٔ شریفهٔ ﴿**سَواءً العاكِفُ فيهِ وَ البادِ**: *مسجد الحرام را برای مقیم و مسافر یکسان قرار دادیم*﴾ (حجّ (۲۲) / ۲۵) معنای «**العاكفُ و البادِ**» را در این آیهٔ شریفه به ترتیب اهل مکّه و زائرانی می داند که از دیگر شهرها به حجّ آمده باشند. «...**وَ مُر أهلَ مَكّة ألّا يَأخُذوا مِن ساكنٍ أجراً، فَإنّ اللهَ سبحانه يَقول: «سَواءً العاكفُ فِيهِ وَ البادِ». فَالعاكفُ: ألمُقيمُ بِه و البادي : الّذي يَحُجُّ إليه مِن غَير أهلِه.**» (دشتی، ص ۲۰۴)

۳ـ۲) امام علیه السلام در خطبه‌ای خطاب به مردم، آنان را به عبرت پذیری از اندرزها و ضرورت پندگرفتن از مرگ و سختیهای روز قیامت دعوت می‌کند. ایشان در ادامه با اشاره به آیهٔ شریفهٔ ﴿**كُلّ نَفسٍ مَعَها سائِقٌ وَ شَهيدٌ**﴾ (ق (۵۰) / ۲۰) دو واژه«**سائِقٌ و شَهيدٌ**» را این‌گونه معنا می‌کند: «**سائقٌ: يَسوقُها إلى مَحشَرِها، وَ شاهِدٌ: يَشهَدُ عَليها بِعَمَلِها.**» (دشتی، ص ۱۰۰)

۳ـ۳: در حکمت ۲۳۱ نهج البلاغه، امیر المؤمنین علیه السلام با اشاره به آیهٔ شریفهٔ ﴿**إنّ اللهَ يَأمُرُ بِالعَدلِ و الإحسانِ**﴾ (نحل (۱۶) / ۹۷). که خداوند در آن بندگان خود را به عدل و احسان فرمان می دهد، واژه عَدل را همان «انصاف» و واژه إحسان را «*بخشش و نیکویی* » معنی می‌کند؛ «**العَدلُ: الإنصافُ، و الإحسانُ: التَفضّلُ.**» (همان، ص ۴۸۲)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

۴. استناد به آیات قرآن

یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امیرالمؤمنین علیه السلام استناد به آیات قرآن در اثنای برخی از خطبه‌ها و نامه‌هاست. امام علیه السلام در لابه‌لای سخنان خود، آیات الهی را به عنوان شاهد و مدّعای گفته‌های خویش آورده است تا این آیات، تأییدی بر صحّت آن مطالب باشد؛ همچنین مردم نیز با شنیدن کلام وحی، هر چه بهتر و بیشتر با اهداف و پیامهای کلام وحی آشنا شوند و آنرا بهتر از گذشته درک نمایند. در زیر به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

۴ـ۱) در خطبهٔ ۱۹۹ نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنانی که در آستانهٔ یکی از جنگها ایراد شده است، مردم را به اقامهٔ بسیار زیاد نماز و حفظ بر این فریضه الهی سفارش نمودند تا به‌وسیلهٔ آن، بیش از پیش به خداوند متعال نزدیک شوند. ایشان در ادامه با اشاره به آیهٔ ۳۷ سوره مبارکه نور، دو ویژگی مهم مؤمنانی راکه حق واقعی نماز را شناختند، بیان می‌کند:

وَ قَد عَرَفَ حَقّها رِجالٌ مِن المُؤمِنينَ الّذينَ لَا تَشغَلُهُم عَنها زينةُ مَتاعٍ، و لَا قُرّةُ عَينٍ مِن وَلدٍ و لَا مالٍ. يقولُ اللهُ سبحانه: ﴿رِجالٌ لَا تُلهيهِم تِجارةٌ وَ لَا بَيعٌ عَن ذِكرِاللهِ وَ إقامَ الصّلاةِ و إيتاءَ الزّكاةِ.﴾ (نور (۲۴) / ۳۷)

به راستی، کسانی از مؤمنان حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد و روشنایی چشمشان، یعنی اموال و فرزندان، مانع نمازشان نشود. خداوند متعال می‌فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.» (دشتی، ص ۲۹۸)

۴ـ۲) امام علیه السلام در سخنی دیگر، مردم را به تیرهای خطرناک شیطان هشدار می‌دهد و با استناد به آیه شریفهٔ سورهٔ مبارکه حجر، آنان را از تصمیم قطعی شیطان مبنی بر گمراه کردن انسانها آگاه می‌کند: **فَلَعَمری لَقد فَوّقَ لَكُم سَهمَ الوَعيدِ، وَ أَغرقَ إليكُم بِالنّزعِ الشّديدِ، وَ رَماكُم مِن مَكانٍ قَريبٍ، فَقالَ: ﴿رَبِّ بِما أَغوَيتَني لَأُزَيِّنَنّ لَهُم فِي**

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

الأرضِ و لأُغوِيَنّهُم أجمَعينَ. ﴾ (حجر (۱۵) / ۳۹)

به جانم سوگند، شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چلّهٔ کمان گذاشته، و تا حدّ توان کشیده و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است خطاب به خدا گفته است: «پروردگارا، به سبب آنکه مرا نومید کردی، در روی زمین بدیها را در نظرشان جلوه می‌دهم و همگان را گمراه خواهم کرد.» (دشتی، ص ۲۷۲)

۵. بیان چرایی و تفسیر آیات

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پاره‌ای از خطبه‌ها و نامه‌های خود با اشاره به برخی از آیات الهی، به تبیین و تفسیر عبارات و مطالب گنجانده شده در آن پرداخته و با دانش الهی خویش تفسیر حقیقی قرآن را در اختیار پویندگان راه حق و حقیقت قرار دادند. اینک به ذکر پنج نمونه از چنین عباراتی در نهج البلاغه، می‌پردازیم:

۵ـ۱) در نامهٔ ۵۳ نهج البلاغه که به عهدنامه مالک اشتر معروف است، امام علی علیه‌السلام در سفارشی به مالک اشتر با استناد به آیهٔ شریفهٔ ﴿**یا أیّها الّذینَ آمَنوا أطیعوا اللهَ و أطیعُوا الرّسولَ وَ أُولِي الأمرِ مِنکُم فَإن تَنازَعتُم فِي شَيءٍ فَرُدّوهُ إلی اللهِ وَالرّسولِ**﴾ (نساء (۴) / ۵۹) از او می‌خواهد در مشکلات و اموری که در آن دچار شک و تردید شده است، به خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رجوع کند. ایشان در ادامه به تبیین این آیهٔ شریفه می‌پردازد و بازگرداندنِ امور را به خدا و پیامبر، همان اخذ به کتاب خدا (قرآن) و سنّت وحدت بخش رسول الله تفسیر می‌کند: «**فَالرّدُّ إلی اللهِ: اَلأخَذَ بِمُحکَمِ کِتابِه، وَالرّدّ إلی الرّسولِ: الأخَذَ بِسنّة الجامِعَة غَیرِ المُفرّقَةِ.** (دشتی، ص ۴۱۰)

شبیه همین گفتار را امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پاسخ به خوارج که ماجرای حکمیّت را نمی‌پذیرفتند، قبل از ورود به شهر کوفه فرمودند. ایشان در آن واقعه با اشاره به آیهٔ فوق، بازگرداندن حکمیّت را به خدا، پذیرفتن داوری کتاب خدا و بازگرداندن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را انتخاب سنّت ایشان می‌داند و در این امر، خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

سزاوارترین مردم به حکمیّت بر طبق کتاب خدا و سنّت رسول خدا برمی‌شمرد. (همان، ص ۱۶۸)

۵ـ۲) امام علیه‌السلام در پاسخ به پرسش مردی از طایفهٔ بنی کلب، در مورد علم غیب، به آیهٔ شریفهٔ ﴿**إنّ اللهَ عِندَهُ عِلمُ السّاعَةِ و يُنَزّلُ الغَيثَ و يَعلَمُ ما فِي الأرحامِ**﴾ (لقمان (۳۱) / ۳۴) اشاره می‌کند، سپس علم غیب ذاتی را تنها متعلّق خداوند می‌داند و در ادامه، به تفسیر و تبیین عبارت **يَعلمُ ما فِي الأرحامِ**، در آیه فوق می‌پردازد. ایشان علم خداوند را منحصر به پسر یا دختر بودن جنین نمی‌داند و موارد دیگری همچون صفات روحی روانی فرزندِ داخل رحم مادر را نیز از متعلّقات علم غیب الهی بیان می‌فرماید: «**فَيَعلمُ اللهُ سبحانه ما فِي الأرحامِ مِن ذَكرٍ أو أُنثى ، و قَبيحٍ أو جَميلٍ، وَ سَخيٍّ أو بَخيلٍ، و شَقيٍّ أو سَعيدٍ، و مَن يَكونُ فِي النّارِ حَطَباً، أو فِي الجِنانِ لِلنّبيِّينَ مُرافِقاً.**» (همان، ص ۱۷۲)

۵ـ۳) امیر المؤمنین علیه‌السلام در بخشی از خطبهٔ ۱۷۶ نهج‌البلاغه با برشمردن اقسام ظلم و ستم، شرک به خدای سبحانه را در آیهٔ شریفهٔ ﴿**إنّ اللهَ لَا يَغفرُ اَن يُشرَكَ به و يَغفِر ما دُونَ ذلك لِمَن يَشاءُ**﴾ (نساء (۴) / ۴۸) از نوع ظلمی می‌داند که نابخشودنی است؛ «**فَأمّا الظّلمُ الّذي لَا يُغفَرُ فَالشِّركُ بِاللهِ.**» (دشتی، ص ۲۴۰) این سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام برگرفته از آیهٔ ۱۳ سورهٔ مبارکهٔ لقمان است که خداوند در آن آیهٔ شریفه، شرک به خداوند متعال را ظلم عظیم معرّفی می‌کند: ﴿**إنّ الشِّركَ لَظلمٌ عَظيمٌ.**﴾ (لقمان (۳۱) / ۱۳)

۵ـ۴) امیرالمؤمنین علیه‌السلام، هنگامی که شنید شخصی آیهٔ شریفهٔ ﴿**إنّا للهِ وَ إنّا إليهِ راجِعُونَ**﴾ (بقره (۲) / ۱۵۶) را تلاوت کرده است، به تفسیر این آیهٔ شریفه پرداختند و در تبیین آن فرمودند: «**إنّ قَولَنا «اِنّا للهِ» إقرارٌ عَلى أنفُسِنا بِالمُلكِ؛ و قَولَنا: «و انّا اِلَيه راجِعُونَ» إقرارٌ عَلى أنفُسِنا بِالهُلكِ**: *این سخن که می‌گوییم: همه از آن خداییم، اقراری است به بندگی، و اینکه می‌گوییم: بازگشت ما به سوی خداست، اعترافی است به نابودی*

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

خویش.» (دشتی، ص ۴۶۰)

۵ـ۵) در حکمت ۲۲۹ نهج‌البلاغه، امام علیه‌السلام دربارهٔ ارزش قناعت، عبارت ﴿**فَلَنُحيِيَنّهُ حَياةً طَيِّبَةً**﴾ (نحل، ۹۷) را «*زندگی با قناعت*» تفسیر نموده است. (همان، ص ۴۸۲) برخی از مفسّران نیز با الهام از این گفتار، آیه را بدین گونه تفسیر کرده‌اند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مصداق «**حَياةً طَيِّبَةً**» را همان زندگی همراه با قناعت دانسته‌اند. (طبرسی، ج ۶، ص ۵۹۳؛ فخررازی، ج ۲۰، ص ۲۶۸)

۶. تبیین بدفهمیِ برخی از آیات

از ظاهر برخی از آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که خداوند به بندگان خود نیاز دارد، در حالی که خداوند غنیّ بالذات است و وام خواهی از مخلوق، دونِ صفات عالیهٔ خداوندی است. به عنوان مثال، در نگاه اوّل به دو آیهٔ شریفهٔ ﴿**إن تَنصُروا اللهَ يَنصُركُم و يُثَبّت أقدامَكُم**﴾ (محمّد (۴۷) / ۷) و آیهٔ ﴿**مَن ذَا الّذي يُقرضُ اللهَ قَرضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ و لَهُ أجرٌ كَريمٌ**﴾ (حدید (۵۷) / ۱۱) چنین بر می‌آید که خداوند به یاری و نصرت مؤمنین نیازمند است؛ یا در آیهٔ دوم، خداوند از روی تنگدستی از بندگان خود طلب وام نموده است؛ در حالی که خداوند خود را مالک تمام هستی و دارندهٔ خزائن و جنود آسمانها و زمین معرّفی می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بخشی از خطبهٔ ۱۸۳ نهج البلاغه، با اشاره به دو آیهٔ فوق و آیه‌ای از سوره مبارکهٔ مُلک، به تبیین تضاد و تعارض موجود در این آیات می‌پردازند. ایشان در سخنانی، پس از سفارش مردم به انفاق اموال و پرهیز از بخل در بخشش، چنین می‌فرماید:

> **فقد قال الله سبحانه: «إن تَنصُروا اللهَ يَنصُركُم و يُثَبّت أقدامَكُم» و قال تعالى: «مَن ذَا الّذى يُقرضُ اللهَ قَرضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ و لَهُ أجرٌ كَريمٌ»، فَلم يَستنصِركُم مِن ذُلّ و لم يَستَقرِضكُم مِن قُلٍّ، استَنصَرَكُم و له جُنودُ السّمواتِ و الأرضِ و هُو العَزيزُ الحَكيمُ، وَ استَقرَضَكُم «و له خزائنُ**

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

السّمواتِ و الأرضِ و هُو الغَنيّ الحَميد»، و إنّما أراد أن «يَبلُوكُم أيّكُم أحسَنُ عملاً».

امیر المؤمنین علیه السلام در تبیین تعارض گفته شده، دو شاهد می‌آورد و در ادامه به حلّ شبههٔ فوق و کژفهمی از این آیات مبادرت مـی‌ورزد: اوّل ایـنکه در بـی‌نیازی خداوند از نصرت و یاری بندگان، همین بس که جنود آسمانها و زمین در اخـتیار اوست؛ دوم، برخورداری خداوند از ثروت آسمانها و زمین، خودگواه نیرومندی و عزّت پروردگار به شمار می‌آید؛ بنابراین امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه، از گفتار خویش نتیجه می‌گیرد که: «هدف خداوند متعال از یاری خواهی و وام خواهیِ از بندگان، امتحان و آزمایش آنان در زندگی دنیوی‌شان می‌باشد.» ﴿**أَلذی خَلَقَ المَوتَ و الحَیَاة لِیَبلُوَکُم أیّکُم أحسَنُ عَملاً.**﴾ (ملک (۶۷) / ۲) (دشتی، خطبهٔ ۱۸۳، ص ۴۶۰)

۷. استفاده از قیدهای توضیحی

از دیگر گونه‌های تفسیری امیرالمؤمنین علیه السلام تبیین آیات قرآن از راه بیان قیدهای توضیحی در ضمن آیه است. در زیر به دو نمونه از آن اشاره می‌گردد:

۷ـ۱) امیرالمؤمنین علیه السلام به هنگام تلاوت آیهٔ شریفهٔ ﴿**یا أیّها الإنسانُ ما غَرّکَ بِربّکَ الکریمِ**﴾ (انفطار (۸۲) / ۶)، ضمن هشدار دادن به متکبّرین، یکی از دلایل غرور در برابر پروردگار متعال را «*جرئت انسان بر انجام گناه*» معرّفی می‌کند. ایشان در ضمن تلاوت این آیهٔ شریفه، با بیان قید ما **جَرّأکَ عَلی ذَنبِکَ** در بین آیهٔ فوق، سرانجام این نخوت و غرور را غفلت و علاقه‌مندی انسان بر نابودی خویش تفسیر می‌کند: **یا أیّها الإنسانُ، ما جَرّأکَ عَلی ذَنبِکَ، ما غرّکَ بِربّکَ الکَریمِ، و ما أنّسَکَ بِهَلکةِ نَفسِکَ؟**(دشتی، خطبه ۲۲۳، ص ۳۲۴)

۷ـ۲) امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای که پـیرامـون تـوحید و خـداشـناسی ایـراد فرموده، ضمن برشمردن صفات خداوند، ویژگیهای پـروردگار را بـرتر و والاتـر از صفات دیگر پدیده‌ها می‌داند و با اشاره به آیهٔ شریفه ﴿**لَم یَلِد و لَم یُولَد**﴾ (توحید۱۱۲)/

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

۳)، دو قید توضیحی در لابه لای این آیه شریفه به کار می‌برد و به تفسیر آن می‌پردازد. بنگرید: «**لَم یَلد فَیکُونَ مَولوداً، و لَم یولَد فَیصیرَ مَحدوداً**» (دشتی، خطبهٔ ۱۸۶، ص ۲۵۸) امام علیه‌السلام در جایی دیگر عبارت فوق را این‌گونه تبیین می‌کند: «**لَم یُولد سبحانه فَیکونَ فی العزِّ مُشارکاً، و لَم یَلِدْ فَیکونَ مَوروثاً هالکاً.**» (همان، خطبهٔ ۱۸۲، ص ۲۴۶)

۸. ذکر مصادیق آیات

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در برخی از موارد، به تفسیر قرآن کریم براساس ذکر مصادیق آیات پرداخته است. در زیر به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱ـ۸) در خطبهٔ ۱۴۴ نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سخنانی ضمن برشمردن خصائص اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، مصادیق **وَ الرّاسخونَ فِی العِلمِ** را در آیهٔ شریفهٔ (آل عمران (۳) / ۷)، «*اهل بیت رسول اکرم* صلی‌الله‌علیه‌وآله» نام برده است: «**أینَ الذینَ زَعَموا أنهُم الرّاسِخونَ فِی العِلمِ دونَنا، کَذباً و بَغیاً عَلینا، أن رَفَعنَا اللهُ و وَضَعهُم.**» (دشتی، خطبهٔ ۱۴۴، ص ۱۸۸)

۲ـ۸) امام علیه‌السلام در پاسخ به خوارجی که در جنگ صفین با شعار ﴿**إنِ الحُکمُ إلّا للّهِ**﴾ (یوسف (۱۲) / ۴۰)، بازگشت به داوری و حکمیت کتاب خدا را فریاد می‌زدند، به آیهٔ شریفهٔ ﴿**یا أیّها الّذینَ آمَنوا أطیعوا اللهَ و أطیعُوا الرّسولَ وَ أُولِی‌الأمرِ مِنکُم فَإن تَنازَعتُم فِی شَیءٍ فَرُدّوهُ إلی اللهِ وَ الرّسولِ**﴾ (نساء (۴) / ۵۹) استناد می‌کند. آن‌گاه اهل بیت رسول خدا را مصداق روشن این آیه و سزاوارترین و شایسته ترین افراد برای داوری و حکمیت امور معرّفی می‌کند: «**فَرَدّهُ إلی اللهِ أن نَحکُمَ بِکِتابِه، و رَدّهُ إلی الرّسولِ أن نَأخُذَ بِسنّتِه، فَإذا حُکِمَ بِالصّدقِ فِی کتاب اللهِ، فَنحنُ أحَقّ الناسِ بِه.**» (دشتی، خطبهٔ ۱۲۵، ص ۱۶۸)

با توجّه به سخنان امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌توان گفت: ایشان خود و ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام را مصداق **أُولِی‌الأمرِ** می‌داند که قرآن کریم، اطاعت از ایشان را در ردیف اطاعت از خداوند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار داده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

۹. تبیین اهداف تربیتی اخلاقی آیات

یکی از برنامه‌ها و وظایف اصلیِ امامان معصوم علیهم‌السلام تربیت افراد در زندگی اجتماعی آنان بوده است. با اندکی دقّت در کتاب نهج‌البلاغه می‌توان دریافت که بیشتر عبارات این کتاب گرانسنگ، از غِنای تربیتی و اخلاقی برخوردار است.

یکی از این موارد، تفسیر امیرالمؤمنین علیه‌السلام از آیهٔ ۲۳ سورهٔ مبارکهٔ حدید است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در تعریف زهد و پارسایی، زهد را کوتاه کردن آرزوها از دنیا و شکرگزاری در برابر نعمتهای خداوندی بیان می‌کند: «**الزّهادة قِصَرُ الأملِ، و الشّکرُ عِندَ النّعَم.**» ایشان در ادامه با اشاره به آیهٔ یادشده حقیقت زهد را در بین دو عبارت از این آیه می‌شناساند و شخص زاهد را کسی می‌داند که با توجّه به این آیهٔ شریفه، همهٔ جوانب زهد و پارسایی را رعایت نماید: **الزهد کلّه بین کلمتین من القرآن: قال الله سبحانه: «لِکَیلا تَأسوْا عَلی ما فاتَکُم و لَا تَفرَحوا بِما آتاکُم.» و من لم یأس علی الماضی، و لم یفرح بالآتي، فقد أخذ الزهد بطرفیه.**

بنابراین زهد و پارسایی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام عدم تعلق خاطر و دلبستگی به زندگی دنیوی است. در این تفسیر، لازمهٔ زندگی زاهدانه، ترک خانه و کاشانه و اختیار کردن عزلت و گوشه‌نشینی نیست.

نتیجه

۱ـ تأمّل در کتاب شریف نهج البلاغه نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مکتب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پرورش یافته و به معنای واقعی کلمه، قرآن ناطق و مفسّر حقیقی کلام وحی است.

۲ـ برخی از تفسیرها در بیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به نوعی پاسخی بوده به سؤالاتی که از سوی عدّه‌ای از افراد مطرح می‌شده است و امام علیه‌السلام با توجّه به شرایط اجتماعی، سیاسی و... به آن پاسخ می‌دادند؛ مثلاً تفسیر آیهٔ ۵۹ سورهٔ مبارکهٔ نساء، در شرایطی سیاسی در اثنای جنگ صفّین و در ماجرای حکمیت بیان شده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]

۳ـ برخی از گونه‌ها و روش‌های تفسیری امیرالمؤمنین علیه‌السلام عبارت‌اند از: تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنّت، بیان معنی مفردات آیات، استناد به آیات در برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها، بیان چرایی و تفسیر آیات، تبیین بدفهمیِ برخی از آیات، استفاده از قیدهای توضیحی، ذکر مصادیق آیات و توجّه به اهداف تربیتی و اخلاقی آیات قرآن کریم.

منابع

۱. ابن أبی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید. **شرح نهج‌البلاغه**. به تحقیق محمّد ابوالفضل ابراهیم،دار إحیاءالکتب‌العربیه، ۱۳۷۸ق.

۲. حر عاملی، محمّدبن حسن. **وسائل‌الشیعة**. قم: مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.

۳. دشتی، محمّد. **نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین** علیه‌السلام. قم: نشر شهاب‌الدین، ۱۳۸۳

۴. طباطبایی، سیّد محمّد حسین. **المیزان فی تفسیرالقرآن**. ترجمه سیّد محمّد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.

۵. طبرانی، أبی‌القاسم سلیمان‌بن احمدبن أیوب. **المعجم‌الصغیر**. بیروت: دارالکتب العلمیة لبنان.

۶. طبرسی، فضل‌بن حسن. **مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن**. تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.

۷. فخررازی، ابوعبدالله محمّدبن عمر. **مفاتیح‌الغیب**. بیروت: داراحیاء التراث‌العربی، ۱۴۲۰ ق.

۸. قمی، علی‌بن ابراهیم. **تفسیر قمی**. قم: انتشارات دارالکتاب، ۱۳۶۷.

۹. کلینی، محمّدبن یعقوب. **الکافی** . تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.

۱۰. مجلسی، محمّد باقر. **بحارالانوار**. بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۱۱. مصطفوی، حسن. **التحقیق فی کلمات‌القرآن‌الکریم**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۱۲. مطهّری، مرتضی. **امامت و رهبری**. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.

۱۳. معرفت، محمّد هادی. **تفسیر و مفسّران**. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۰.

۱۴. نیشابوری، مسلم. **صحیح مسلم**. بیروت: انتشارات دارالفکر لبنان.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.7.8]